

خدایانوان باروری در جهان باستان

صدرالدین طاهری^{۱*}، محمود طاووسی^۲

۱ - کارشناس ارشد گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس

۲ - استاد گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

خدایانوان باروری، ایزدان محافظ حاصلخیزی و ناظر بارداری و تولد در بسیاری از تمدن‌های چندخدایی هستند. گرچه اندیشه یافتن کاربرد آثار بدست آمده از مردمان پیش از تاریخ، راهی جز به گمان نمی‌برد؛ اما با تکیه بر اساطیر به جای مانده از عهد تاریخی و داستانهای فولکلوریک، می‌توان کارکردهای زیر را برای پیکرک‌های خدایانوان باروری برشمرد:

۱. تجسم ایزدانوی مورد پرستش در منطقه، که غالباً خدای زمین و آبها و در ارتباط با عشق، باروری و حاصلخیزی است.
 ۲. استفاده در آیینهای باروری زمین، دام و انسان، آیین‌های بلوغ، درمان بخشی زنان سترون و یاری بانوان به هنگام زایمان.
 ۳. نماد مادر، برای قرار دادن در مقابر کودکان درگذشته و همراهی آنان در سفر پس از مرگ.
- این نوشتار به بررسی خدایانوان مرتبط با حاصلخیزی در میانرودان و شرق میانه، آناتولی، مدیترانه، اروپای پیش از تاریخ، اژه و یونان، رم، اسکاندیناوی، ایرلند، آفریقا، مصر، هند، چین، ژاپن، قاره آمریکا و سرزمین‌های شمالی می‌پردازد.

کلید واژگان: ادیان، اساطیر، خدایانوان باروری، مادرمرکزی، چرخش فصول.

۱- مقدمه

توین بی می‌گوید: «مادر کهنترین سوژه هنری انسان است» [ص ۳۵۰، ۱]. یکی از نمونه آثاری که فراوان در کاوش محوطه‌های پیشاتاریخی به آن برمی‌خوریم، پیکرک‌های گلی یا سنگی با اندام‌های ساده شده است که با تأکید بر ویژگی‌های زنانه ساخته شده‌اند. باستان‌شناسان زمانی این تندیس‌ها را ونوس می‌نامیدند، اما از آنجایی که نام خدایی رمی نمی‌توانست گویای خصوصیات این اشیای راز پوشیده باشد، امروزه آنها با عنوان کلی الهه باروری (Fertility Goddess) شناخته می‌شوند.

برخی از انسان‌شناسان بر آنند که در دوره‌های کهن، جامعه ابتدایی زیر سلطه زنان بوده است و «مادرتباری» بازمانده آن دوران، یعنی «مادرسالاری» است [ص ۲۵، ۲]. تغییر ساختار مادرمرکز جوامع پیش از تاریخ اغلب به سبب یورش بیابان‌گردان پدرمرکز بوده است؛ اما نشانه‌هایی از آن دوران هنوز در کلام ما باقیست، چنانکه از «زبان مادری» و «مام میهن» سخن می‌گوییم. این نظام در میان جوامعی که دیرتر پا به دوران تاریخی نهاده‌اند هم قابل پیگیری است.

مثلاً: در میان بومیان دیری در جنوب شرق استرالیا تا سال ۱۸۶۰م. نیز هر فرد نسب از مادر خویش می‌برد [ص ۲۹، ۳]. یا در ژاپن تا اواخر قرن ۸ م. زنان بر ایالات فرمانروایی می‌کردند و امور سیاسی را در دست داشتند [ص ۴، ۷۱۲].

بار معنایی اصلی «مادرمرکزی» (Matriarchy) نه تنها قدرت زنانه، که قدرت زن به عنوان مادر است. قدرت زنانه به سبب جایگاه مادری زن در اجتماع بدوی اعطا می‌شود [ص ۵، ۲۶۳].

بسیاری از باورها، جشن‌ها و مراسم دینی در ارتباط با نیازهای اقتصادی بشر شکل گرفته‌اند؛ مانند نیاز به محصول و رمه‌ی بیشتر برای سیر ماندن؛ و فرزند بیشتر برای یاری در کاشت، حراست از زمین و نیرو بخشیدن به خانواده و قبیله در هنگام جنگ.

بخشی از این مناسک در میان تمدن‌های باستانی مشترکند؛ مانند رقص غله که در هنگام کاشتن بذر با افشاندن خون قربانی حیوانی یا حتی انسانی و دفن جسد او در زمین بایر انجام می‌گیرد،



در می‌آید. این ماجرا احتمالاً به آیین «تکلیم تو» باز می‌گردد که در ماه تموز (جون/جولای) انجام می‌گرفت و طی آن مجسمه‌ای از تموز به حمام برده می‌شد، تدهین می‌گردید و در نینوا در معرض تماشای عموم قرار می‌گرفت [ص ۹۸].

یک ستون یادبود (تصویر ۶) از دوره آشور نو (سده هشتم ق.م.) که بر روی آن تصویر الهه ایشتار نقش شده، در تل برسیپ پایتخت پادشاهی آرامی بیت ادینی یافت شده. ایشتار همزمان ایزدبانوی عشق و جنگ است. او را ایستاده بر اراپه‌ای که با هفت شیر نر کشیده می‌شد؛ با کمانی در دست تصویر می‌کردند. در وروک او را خدایانوی عشق، زیبا و لطیف اما هوسباز و زودخشم می‌دانستند. در سومر ایشتار مظهر ستاره‌ی زهره بود [ص ۱۵۸]. شاید واژگان استر، استار و ستاره بازمانده از نام این الهه باشند.

اشنان در اساطیر سومری ایزدبانوی غلها و خواهر لهار خدای رمه است، که با لهار به ستیز برخاست و سرانجام پیروز شد [ص ۶۶]. **آرورو** خدامادر سومری بود که انکیدو را از گل آفرید [ص ۴۷]. **نین لیل** (تصویر ۷) در سومر خدایانوی هوا بوده است [ص ۱۰]. **نانشه** الهه مادر شهر نینا در سومر بوده؛ او با ماهیگیری، عدالت و باروری ارتباط داشته است [ص ۱۰].

در اساطیر قوم هیتی، داستان چرخش فصول و نوزایی زندگی بر خلاف سایر تمدن‌ها به خدایی نرینه (تلپینو) منسوب می‌گردد. ایزدبانوی بزرگ هیتیان **ایناراس** است که اژدهای ایل لویان را می‌فریبد و می‌کشد [ص ۱۱، ۱۳۴].

تعدادی تندیس‌های مرمیرین زنانه (تصویر ۸) در مقابر اختصاصی دوره حسونا (حدود ۶۰۰۰ ق.م.) از تل سوان، ساحل خاوری دجله یافت شده است. پیکره‌هایی که در کنار خردسالان قرار دارد را می‌توان نماد مادرائی دانست که کودک را در دنیای پس از مرگ همراهی می‌کنند. اما تندیس‌هایی نیز در مقابر بزرگسالان یافت شده‌اند. برهنگی این پیکره‌ها بیش از نمایش جاذبه زنانه به سبب نیروی حمایتگرشان در قالب سنتی الهه مادر است. این تندیس‌های بسیار کهن باروری و حاصلخیزی نقشی مرکزی در تصور نخستین جوامع کشاورز شرق نزدیک ایفا می‌کرده‌اند [ص ۱۳].

تندیس‌هایی از سفال رنگین (تصویر ۹)، با اندام‌های اغراق شده از فرهنگ نوسنگی حلف (حدود ۶۰۰۰ تا ۵۱۰۰ ق.م.) باقی مانده است. فرهنگ حلف با ساخت سفالینه‌های رنگین شناخته می‌شود، نیز با پیکره‌های ویژه باروری، که برهنه و با دستانی حلقه شده به دور پستان‌ها طراحی شده‌اند. تأکید در ساختار این پیکره‌ها

یا تقدیم اولین محصول نوبر از میوه یا غله یا فرزند به خدایان، یا پرستش گاو نر و بز ماده و دیگر حیوانات و مراسم نمایشی ازدواج خدایان با خدایانوان حاصلخیزی که به وسیله هنرپیشگان صورت می‌گیرد [ص ۱۷].

اکنون به بررسی خدایان مادینه در فرهنگ‌های باستانی و تندیس‌های منسوب به آنان می‌پردازیم. از آنجا که رهگیری این تندیس‌ها در ایران نیاز به مجال گسترده‌تر دارد، این نوشتار تنها خدایانوان مورد پرستش در خارج از محدوده فرهنگی ایران را مدنظر دارد.

۲ - میانرودان و شرق میانه

نخستین مادرخدای ذکر شده در منابع سومری **تیامت** (تصویر ۱) است که در قالب خدای آب‌های شیرین به همراه آپسو، نسل بعدی خدایان را می‌آفریند [ص ۵۶ - ۵۷]. تیامت و لشکر وی بعدها توسط خدای جوان مردوک مغلوب می‌شوند که می‌توان آن را تغییر یک حکومت مادمرکز محلی بر اثر یورش بیابان‌گردان دانست. دیگر خدای بزرگ مادینه، سومریان **اینانا** (تصویر ۲) است که طبق کتیبه پیروزی آنوبانی نی پادشاه لولوبیان او را بر دشمنانش فاتح می‌سازد؛ [ص ۷، ۵]. حامی زندگی و مظهر باروری و زاینده گیاهان (تصویر ۳)، که داستان رفتن او به جهان زیرین تحت سلطنت خواهرش برای یافتن محبوبش دوموزی را با گردش سالیانه فصول و بازایش حیات مربوط می‌دانسته‌اند. هر سال بهار سالگرد ازدواج اینانا و دوموزی برای بیدار کردن طبیعت خفته در ایسن پایتخت سومر جشن گرفته می‌شد [ص ۸، ۱۵۸].

این داستان در منابع بعدی به **ایشتار** (تصویر ۴) منسوب گردیده که به دنبال تموز به دنیای زیرین، به فرمانروایی خواهرش **ارشکیگال** هبوط می‌کند. برهنگی او با وجود داشتن ردایی پشمی در یک حجاری (تصویر ۵) از ماری (متعلق به ۲۵۰۰ تا ۲۴۰۰ ق.م.) یادآور مشهورترین اسطوره مرتبط با اوست، او هفت دروازه بی بازگشت زمین را پشت سر نهاد و در عبور از هر در ناچار شد بخشی از لباسها یا تزییناتش را به جا نهد. بدینگونه قدرتش را از دست رفته و خویشتن را اسیر دنیای مردگان یافت و زندگی بر زمین رو به نابودی نهاد. او که برای یافتن محبوب درگذشته‌اش تموز آمده بود، از آن پس هر بهار با بازگشت به زمین باروری را تضمین می‌کرد [ص ۹]. ایشتار بهای آزادی خود را با از دست دادن تموز می‌پردازد که در آینده در جهان زیرین مأوا خواهد گزید، وی هر سال یک‌روز به زمین باز می‌گردد و در آن روز مراسمی به اجرا

زمین و کشاورزی بود، العزی باکره جنگجو و نماد ستاره صبح بود و المنات پیرزنی که سرنوشت و مرگ را تعیین می‌کرد [۱۲].

۳ - آناتولی

تندیس‌های کوچک (تصویر ۱۸) آناتولی (از حدود ۶۰۰۰ تا ۵۵۰۰ ق.م) با منحنی‌های کاملاً زنانه، نشان‌دهنده باروری زنانه و نماد حاصلخیزی خاک هستند. شاید این تندیس‌ها در یک مراسم مذهبی رمزی باروری مورد استفاده قرار می‌گرفته است [۱۵، ص ۱۳۶].

جامعه کشاورز ساکن چتل هویوک نیز تعداد زیادی از این خدایانوان تولید کرده‌اند (تصویر ۲۰ و ۱۹) که به رواج پرستش خدای مادینه حاصلخیزی در این منطقه دلالت دارد. تکرار نگاره‌های زنان در غارهای پیش از تاریخ آناتولی نشان می‌دهد که در آنجا زن، سمبل برکت و موجودی مقدس و زاینده محسوب می‌شده است [۱۶، ص ۲۷]. در حاجیلار در دوره نوسنگی جدید تندیس‌هایی زنانه ساخته شده که برخی از آنها کودکی را به آغوش کشیده‌اند. از دوره کالکولتیک نیز ریتون‌های سفالینی به شکل زن باردار یافت شده است [۱۶، ص ۲۳۹]. در حسن اوغلان پیکره سیمین یک الهه برهنه از اواخر هزاره سوم ق.م. به دست آمده که با آذین‌های زرین زینت گردیده است [۱۶، ص ۲۵۸].

۴ - مدیترانه

دوران کالکولتیک (هزاره ۴ تا ۳ ق.م) در قبرس، خاصه در غرب جزیره که هفت گونه مجسمه از سنگ یا گل به دست آمده است؛ با پیکره‌های باروری شناخته می‌شود (تصویر ۲۱). تندیس‌های سنگی، زن برهنه‌ای را با دست‌ها چلیپایی تصویر می‌کنند. تندیس‌های گلی اشکال گوناگونی دارند که به آمیزش، تولد و شیردهی اشاره می‌کنند. قبرس در سنت کلاسیک زادگاه آفرودیت/ونوس شناخته می‌شد. قدرت باروری زنانه برای هزاران سال در این منطقه ستایش شده است [۱۸].

تندیس‌هایی که به نام بانوی تریکومو شناخته می‌شود (تصویر ۲۲)، به دوره سیپرو - آرکاییک II (سده ۶ ق.م) باز می‌گردد. به احتمال زیاد او الهه بزرگ قبرس است. تزیینات غنی این تندیس شامل سرپوشی از حلقه‌های گیاهان و گلی که به دست دارد؛ سنت‌های شمایل‌نگاری محلی را نشان می‌دهند که از یونان و شرق تأثیر گرفته‌اند. او از آخرین نمونه‌های شناخته‌شده تندیس‌های زنانه قبرس است که به ایزدبانوی بزرگ، فرمانروای

آشکارا برای نشان دادن حاصلخیزی در ریختی زنانه است. تندیس‌های ایزدبانوی مادر، به عنوان تضمین‌گر نوسازی پیوسته زندگی؛ در جوامعی که بر پایه فرآوری محصولات طبیعی بنا می‌شدند، اهمیتی ویژه داشته است [۹].

در اساطیر اوگاریت (تختگاه فنیقیه در هزاره دوم ق.م) **شاپاش** ایزدبانوی خورشید است که مشعل خدایان نامیده می‌شود. **آشه راه** بانوی دریاست که با بل می‌جنگد، و شفق و فلق فرزندان او و خدای بزرگ ال هستند [۱۱، ص ۱۰۹]. پیکره‌هایی از آشه راه (تصویر ۱۱ و ۱۰) از سده‌های دهم تا هفتم ق.م. در فلسطین یافت شده‌اند.

آستارته هم‌ذات اینانای سومری و ایشتار آشوری، ایزدبانوی فنیقیان و فلسطینیان بوده است. او بر باران بارورکننده نظارت داشت و تجسم زهره و ماه بود. گاه خدایانویی باکره انگاشته می‌شد و گاه به عنوان مادر - خدا حامی زنان باردار بود. او نیز برای یافتن بلع به سرزمین مردگان می‌رود [۸، صص ۵۵-۵۴]. یک ساغر سفالی به دست آمده از اوگاریت (تصویر ۱۲)، از سده ۱۴ تا ۱۳ ق.م با صورت آرایش شده زنانه‌ای تزیین گردیده که اطرافش را طره‌های گیسو پوشانده‌اند. جام در مقبره بانویی ثروتمند یافت شده که احتمالاً بخشی از اسباب آرایش زنانه، و نشان‌گر الهه محافظ زنان است که بدانان قدرت اغواگری می‌بخشیده است [۹].

آناث خواهر بلع دیگر خدایانوی بزرگ اوگاریت است. او درحالی که خود را با سرخاب و حنا آراسته است دست به قتل عام همه دشمنان بلع می‌زند. سپس دست و سر کشتگان را چون گردنبندی بر گردن خود می‌بندد [۱۱، ص ۱۱۱]. هیکسوس‌ها او را با خود به مصر بردند، او حامی جنگ‌جویان و اسلحه آنان بود. **بعلت** در بوبلوس (شمال سوریه) و **بلیت** در آشور همسر بلع، خدایانوان حاصلخیزی و کشاورزی بوده‌اند. دیگر الهه اوگاریت **نیک کال** (تصویر ۱۳) ایزدبانوی حامی میوه‌های زمینی است [۸، ص ۱۲۵]. در شهر ماری سوریه نیز تندیس‌هایی (تصویر ۱۴) از خدایانوان باستانی به دست آمده است [۱۴، ص ۴۱].

مامی (تصویر ۱۵) الهه‌ای مار به دست است که بابلیان می‌پرستیده‌اند. **سیدوری** (تصویر ۱۶) الهه شراب بابلیان بوده است [۱۲].

در عربستان قبل از اسلام سه دختر ایل، **اللات** (تصویر ۱۷)، **المنات** و **العزی** ستایش می‌شدند [۸، ص ۱۶۷]. اللات الهه بزرگ



نامیده می‌شوند. در نظر انسان کرتی مادر لاهوتی نماینده سراسر حیات است؛ حیات گیاهی، انسانی و حیوانی [۲۲، ص ۱۷].
تندیسی از زنی که کودکی را به آغوش کشیده یا او را شیر می‌دهد؛ یکی از روش‌های نمایش ایزدبانوان محافظ مادری است. این پیکره‌ها گاه خود الهه را باز می‌نمایند، و زمانی مادری با فرزندش را که برای قرار یافتن در سایه حمایت ایزدان دعا می‌خواند یا برای بارور شدن پیشکشی به آنها اهدا می‌کند؛ مثل تندیسی (تصویر ۳۶) که از گورستان تاناگرا در یونان (۵۵۰ ق.م.) به دست آمده است [۲۳، صص ۹۰ - ۸۹].

در اساطیر یونان نخستین الهه باروری **گایا** (تصویر ۳۷) خدایانوی بزرگ زمین است که در فرآیندی شبیه به داستان نبرد تیامت و مردوک جای خود را به پسر و همسرش اورانوس خدای نرینه آسمان می‌دهد. در نسل بعدی خدایان، **رئا** همسر کروئوس وظیفه حمایت از باروری و حاصلخیزی را به عهده دارد [۴، ص ۷۰]. پس از اینکه تایتان‌ها خدایی را به زئوس و خواندانش (خاندان یا خانواده؟) وا می‌نهند، **هرا** (تصویر ۳۹ و ۳۸) ملکه آسمان می‌گردد. کوهستانیان قدیمی یونان هرا را می‌پرستیدند و روایات مادرپرستان باستانی درباره او فراوان است، درحالی‌که زئوس خدای قبایل مهاجم شمالی، پدرپرست بود و برای اینکه مکان خود را در کشور مغلوب مستحکم سازد هرا را به عقد ازدواج خود درآورد [۳، ص ۸۱]. هرا پشتیبان ازدواج بود و محبت خاصی نسبت به زنان شوهردار نشان می‌داد [۲۴، ص ۳۳].

هستیا (تصویر ۴۰) عنوان ایزدبانوی نگهبان کاشانه و الهه اجاق را دارد [۸، ص ۴۴]. و تضمین باروری را الهه غلات **دیمتر** به عهده می‌گیرد. دختر او **گِول** یا **گوره**، بذر بود که می‌مرد و دفن می‌شد و بار دیگر حیات می‌یافت [۸، ص ۳۵۶]. کشتزار و محل خرمن‌کوبی پرستش‌گاه دیمتر بود که امکان داشت هر لحظه در آنها حاضر شود [۸، ص ۶۲]. وقتی **پرسیفون** دختر دیمتر (تصویر ۴۱) توسط هادس دزدیده شده و در دنیای مردگان حبس می‌گردد؛ او برای بازگرداندنش زمین را ترک می‌گوید و بدین ترتیب داستان چرخش فصول یونانی شکل می‌گیرد. هنگامیکه آتیک به تصرف پیاده‌نظام خشایارشا در آمده بود و یونانیان در ساحل و دریا درگیر جنگ بودند تشریفات جشن آتوسی که آتی‌ها هر سال برای دمتر و پرسیفون برگزار می‌کنند، بدون توجه به جنگ دنبال می‌شد، به گونه‌ای که ایرانیان را به هراس انداخت [۲۵، ص ۹۴].

پانتئون خدایان قبرس در هزاره نخست ق.م. تعلق دارد. تزئین بیش از حد تجملی او، نشان‌گر اغواگری زنانه و یادآور نقش او به عنوان الهه باروری و باززاینده حیات پس از زمستان است [۱۹، صص ۱۶۵ - ۱۶۴].

در مالت تندیسی‌های زنانه‌ای (تصویر ۲۴ و ۲۳) به دست آمده که به نام ونوس مالت شناخته می‌شوند [۲۰].
کارتاژی‌ها هم به الهه‌ای معتقد بودند که باروری و حاصلخیزی زمین را تضمین می‌کند (تصویر ۲۵) و به عنوان مردمانی سوداگر تصویر او را بر روی سکه‌های خود ضرب می‌کردند [۲۱].

۵ - اروپای پیش از تاریخ

تندیسی‌های به دست آمده از دوران پیش از تاریخ اروپا را ۱۵ تا ۱۰ هزار سال قبل از میلاد تاریخ نهاده‌اند. ونوس لاسال (تصویر ۲۶) یکی از نخستین نمونه‌های یافت شده است. ونوس ویلندورف (تصویر ۲۷) پیکره کوچک اندام زنیست که از چندین شکل تقریباً گوی‌مانند ساخته شده است. ونوس لسپوژ (تصویر ۲۸) و سردیس ملقب به ونوس باراسمپوی (تصویر ۲۹) از دیگر نمونه‌های یافت شده هستند [۱۰].

مبالغه در نمایش اندام‌ها حکایت از آن دارد که این پیکرک‌ها به عنوان بت‌های حاصلخیزی و باروری مورد استفاده بوده‌اند. آنچه هنرمند غارنشین مجسم می‌کرده زن نبوده، بلکه باروری بوده است [۱۷، ص ۳۸]. رخسار این پیکره‌ها محو و مدور است، ولی شکم و پاها و سینه‌های آنها زیاده از حد بزرگ و فربه دیده می‌شود که نشانه سحر باروری و ازدیاد نفوس بوده است [۳، ص ۹].

۶ - اژه، کرت و یونان

از ۲۵۰۰ تا ۲۰۰۰ ق.م در جزایر سیکلادی دریای اژه شبیه‌سازی‌های برهنه‌ای از زن‌هایی به دست آمده که دست‌هایشان را در ناحیه شکم روی هم نهاده‌اند (تصویر ۳۱ و ۳۰). این بت‌های تخت‌الوار مانند، در اندازه‌های متفاوت، (از چند سانتی‌متر تا اندازه طبیعی بدن) ساخته شده‌اند [۱۷، ص ۱۰۰].
الهه، باروری در کرت مرتبط با مار است و بیشتر تندیسی‌های باروری این منطقه (تصویر ۳۴ و ۳۲) مارهایی در دست یا دور کم دارند. پرستش این خدایانوان در دوران تمدن مینوسی نیز ادامه می‌یابد و تندیسی‌های این دوره، الهه ماری (تصویر ۳۵)

ایلیتویا خدایانوی تولد و حامی قابل‌ها بود که حضورش را برای زایش نوزاد ضروری می‌دانستند [۸، ص ۱۶۹].

۷ - رم

پانتئون خدایان یونانی در رم نام‌های رومی یافتند و با خدایان اتروسکی آمیخته شدند. بدین ترتیب نام‌های گایا به **ترا**، رئا به **سیپیل**، هرا به **جونو** (تصویر ۴۷)، هستیا به **وستا** (تصویر ۴۸)، دیمتر به **سرِس** (تصویر ۴۹)، آرتیمیس به **دیانا** (تصویر ۵۰)، آتنا به **مینروا** (تصویر ۵۱)، آفرودیت به **ونوس** (تصویر ۵۲)، پرسیفون به **پروسرپینه** و ایلیتویا به **یونولوکینا** بدل شدند. این ایزدبانوان در رم نیز وظایفی غالباً مشابه با یونان داشتند.

رومیان در ۱۵ مارس، در جشن فوردرسیدیا ماده‌گاو آبستنی برای **تلوس** الهه مزارع قربانی کرده، به دست دختران باکره برای افزایش رویندگی محصول به خاک می‌سپردند. در ۱۹ آوریل مراسم جشن غله توسط کاهنان سرس برپا می‌شد و از هفتم تا پانزدهم جون زنان در معبد وستا جشن می‌گرفتند [۳، ص ۱۰۱].

تندیس دیانا (تصویر ۵۳)، یافت شده در معبد آرتیمیس/نانایا نشان‌گر تأثیرات دین رومی در دورا اورپوس سده دوم میلادی است. دیانا در این منطقه با نانایا خدای کهن میانرودانی تلفیق شد. این الهه جنگجو و مرتبط با پیروزی، حامی باروری نیز هست [۹].

۸ - اسکاندیناوی

تاسیتوس مورخ رومی از الهه‌ای صحبت می‌کند که قبایل ژرمنی کنار دریای شمال او را می‌پرستیدند. نام این الهه **نرتوس** بود که تاسیتوس آن را زمین‌مادر ترجمه کرده است. او برای پرستندگانش صلح و باروری به ارمان می‌آورد [۲۶، صص ۳۳ - ۳۲].

دیگر ایزدبانوی بزرگ اسکاندیناوی **فریگ** همسر اودین خدای بزرگ است که سعی می‌کند فرزندش بالدر را با سوگند دادن تمام موجودات رویین تن کند [۲۶، ص ۶۳]. او را سوار بر ارابه مجلی می‌پنداشتند که توسط گربه‌های زیبای حله‌پوش در آسمان حمل می‌شد [۳، ص ۱۱۷]. نام او بر روی پنجمین روز هفته (Friday) باقیمانده است. همسران اودین فریگ (زمین مزروع)، **یورد** (زمین غیر مسکون) و **رینگ** (زمین یخ‌زده زمستانی) هستند [۸، ص ۱۲۳].

وار نیز الهه‌ای مرتبط با ازدواج است که از سوگندها و توافقات خاص میان زنان و مردان حمایت می‌کند [۲۶، ص ۱۰۲].

یونان روایتی دیگر نیز برای اسطوره چرخش فصول داشته‌اند که چنین است: آدونیس معشوق زیبای **آفرودیت**، پس از کشته شدن به دست آرس در زیر زمین عاشق پرسیفون شد، زئوس مقرر کرد که او شش ماه زیر زمین با پرسیفون (پاییز و زمستان) و شش ماه روی خاک با آفرودیت باشد [۸، ص ۳۶].

از میان فرزندان زئوس آفرودیت، **آرتیمیس**، **آتنا**، و **ایلیتویا** به نوعی با باروری و حاصلخیزی در ارتباطند؛ آفرودیت در فنیقیه و آشور به شکل هرمی که دورادور آن مشعل‌های فروزان قرار داشت ستایش می‌شد و در مصر هم‌ذات با **هاتور** بود. آیین آفرودیت توسط فنیقیان به یونان وارد شده بود که با لقب **نومفیا** خدایانوی ازدواج، با لقب **گنتریکس** خدایانوی تولیدمثل، با لقب **پاندموس** تجسم هرزگی، با لقب **هتایرا** حامی روسپیان و در آتن با لقب **اورانیا** نماد عشق آرمانی بود [۸، ص ۷۱]. آفرودیت بیش از هر ایزدی مورد ستایش هنرمندان قرار گرفته و به عنوان الگوی زیبایی زنانه و الهام‌بخش جمال‌پرستان، دست‌مایه آفرینش بسیاری از آثار هنری تا امروز بوده است (تصویر ۴۳ و ۴۲).

آرتیمیس (تصویر ۴۴) بانوی وحوش و میرشکار خدایان و مراقب کودکان نوزاد بود [۲۴، ص ۳۸]. چندین ایزدبانوی مختلف از خاستگاه شرقی به هم آمیخته‌اند تا اسطوره آرتیمیس به وجود آمده است: **آناهید** پارسی، **بندیسی** تراکیه (تصویر ۴۵)، **دوکر تونای** کرتی و...؛ از او برای باروری رمه‌ها و زنان استمداد می‌جستند. اما خود آرتیمیس، مغرور به بکارت ابدی خود بود و شکار و جنگ را بر ازدواج ترجیح می‌داد [۸، ص ۴۰].

آتنا (تصویر ۴۶) الهه شهر، پشتیبان زندگی متمدن، صنایع دستی و کشاورزی بود [۲۴، ص ۳۶]. او مسلح و با کلاه‌خود از جمجمه زئوس تولد می‌یابد. آتنا در کنار وظایف مردانه خود سعادت آتن را با حمایت از کشاورزی تأمین می‌کرد. اختراع یوغ، خیش و شن‌کش به او منسوب است. همچنین کاشت زیتون در یونان به دست اوست. او حامی خانواده و ازدواج بود و بی‌وفایی شوهران را طاعت نمی‌آورد. او به زنان آشپزی، پارچه‌بافی و سفال‌گری را می‌آموخت. آتنا در سراسر یونان و به خصوص در آتن بسیار محبوب بود. به افتخار او جشنهای آهه روفوریا، اسکیروفوریا و پاناتئوس برگزار می‌شد که طی آن کاهنان و کاهنه‌ها، قاضیان و سلحشوران و دختران جوان، شاخه‌های زیتون به دست می‌گرفتند و رژه می‌رفتند و شیرینی‌هایی به شکل چوبدست و مار (نمادهای حاصلخیزی و باروری) بین مردم پخش می‌شدند [۸، ص ۲۵-۲۳].



ایدون خدایانوی دیگر زندگی و باروری در اساطیر اسکاندیناوی همسر براهه پسر اودین بود و از سیب‌های زرینی که به خدایان جوانی جاودانه می‌بخشید نهبانی می‌کرد [۸، ص ۱۵۱].

۹ - ایرلند

ماخا ایزدبانوی باروری و حاصلخیزی بود که در ایرلند قبل از ورود سلت‌ها پرستش می‌شد [۸، ص ۱۹۱].

مهمترین کیش‌های سلتی به مادر - الهه‌ها مربوط می‌شد که بر فراوانی و رونق هم در زندگی و هم پس از مرگ سیطره داشتند. ازدواج پادشاه میرا با الهه زمین بود که حاصلخیزی ایرلند را میسر می‌ساخت. جشنواره‌های بزرگ سلتی، همگی با سال شبانی یا کشاورزی و شکوفایی محصول و حیوانات اهلی مرتبط بودند. آب نیروی حیات تلقی می‌شد، و کیش‌های آب وجه برجسته‌ای از دین سلتی به شمار می‌آمد [۲۷، ص ۶۳]. از درختان فراوانی غلات و بهبودی زراعت و افزایش رمه و حتی زایش زنان سترون را طلب می‌کردند. در برخی مناطق دختران نازا را به ازدواج درختان معینی در می‌آوردند و معتقد بودند که آن زن باردار خواهد شد [۳، ص ۲۱]. پیکرک الهه باروری به دست آمده از کارونت، ولز جنوبی (تصویر ۵۴) ذرت و میوه در دست دارد [۲۷، ص ۶۴].

رفتار فصلی درختان برگریز، نوعی نظام نمادهای دوری را پدید می‌آورد که تمثیلی از زندگی، مرگ و ولادت دوباره بود. درختان تا اندازه‌ای به دلیل همین تصور باززایی با کیش‌های باروری و طبیعت پیوند داشتند. مادر - الهه‌ها غالباً با درخت تداعی می‌شوند. محراب‌های اطراف رود راین در ناحیه بن که به مادر - الهگان تقدیم شده‌اند، نمادهای درخت را بر خود دارند [۲۷، ص ۶۵]. الهه اسب **اپونا** (تصویر ۵۶ و ۵۵) بر روی سنگ نگاره‌ها در حالیکه میوه حمل می‌کند، نقش شده است. او ایزدبانوییست که بر فراوانی محصولات کشاورزی نظارت می‌کند [۲۷، ص ۳۵].

در سلت این مادران هستند که به آشکارترین شکل ممکن، مفهوم باروری را مجسم می‌کنند. زمین - مادر که پدیدآورنده فراوانی بود برای سلت‌های اروپایی یکی از جنبه‌های بنیادین الوهیت به شمار می‌آمد. مادر الهی اغلب در هیاتی سه‌گانه تصویر می‌شد. از این الهه‌ها با عنوان **دئامترس** یا **دئامترونه** یاد می‌شود. همواره دو الهه سالخورده در طرفین یک دختر جوان قرار دارند و گویی سنین مختلف زنانگی را بیان می‌کنند. مادران راینی هنوز از الگوی شمایل یافته شده در منطقه راین (تصویر ۵۷) تبیت می‌کنند که در آنها دو زن سالخورده با سربندهای متمایز در

طرفین دختری جوان قرار می‌گیرند [۲۷، ص ۶۹].

آنا خدایانوی باکره سلتی بود که برکت و نعمت برای ایرلند می‌آورد. او در دوره ابتدایی مسیحیت با قدیسه آنا هم‌ذات شد [۸، ص ۹۸]. جشن ایمبولک که در روزهای اول و دوم فوریه در ایرلند برگزار می‌شد با پرستش **بریژیت** پیوند داشت که از زنان به هنگام زایمان محافظت می‌کرد، محصول آبجو را زیر نظر داشت و با شاعری و پیشگویی نیز مرتبط بود. بریژیت حتی پس از آن نیز که به عنوان قدیس در کلیسای کهن ایرلند پذیرفته شد همچنان بسیاری از نقشهای باستانی خود را حفظ کرد [۲۷، ص ۶۹].

۱۰ - آفریقا

در باور اقوام کهن آفریقایی نیز خدایانوان باروری و حاصلخیزی از احترام و قدرت فراوان برخوردارند. در مراکش تندیس زنانه‌ای یافت شده که ونوس تان تان (تصویر ۵۸) نامیده می‌شود [۱۰]. مردمان بنین تندیس‌هایی از عاج برای الهه باروری می‌سازند (تصویر ۵۹) [۲۸، ص ۲۵]. مردم دوگون مالی در مراسم تدفین از پیکره جده مورد نیایششان استفاده می‌کنند (تصویر ۶۰) [۲۸، ص ۳۱]. در سیرالئون و گینه تندیس‌های کوچک زنانه‌ای از سنگ یافت می‌شود که به آنها خدای برنج می‌گویند (تصویر ۶۱) [۲۸، ص ۳۲]. مردمان ایبو تندیس‌هایی برای بزرگ مادر زمین داشتند و هر سال در مراسمی که به تمنای افزایش باروری زمین برپا می‌کردند از آنها بهره می‌بردند (تصویر ۶۲) [۲۸، ص ۵۱]. تندیس تبر دو سر بالای سر زنی در حال شیر دادن کودک، نماد کیش **شانگو** (خدای طوفان) یوروباهاست (تصویر ۶۳) [۲۸، ص ۵۲]. آنها هسته‌های مورد کاربرد در پیشگویی را درون ظروفی به شکل مادر با کودکی بر دوش نگه می‌دارند (تصویر ۶۴) [۲۸، ص ۱۴۸]. مردمان موسی صورت‌کهایی از بغانوی زمین بر فراز یک بز کوهی برای مراسم تدفین و بارورسازی دارند (تصویر ۶۵) [۲۸، ص ۱۳۰]. منده‌های سیرالئون تندیس‌هایی آیینی از پاسدار روح زن می‌سازند که دختران را برای زندگی زنانه آماده می‌کند (تصویر ۶۶) [۲۸، ص ۱۱]. **آکوآبا** (تصویر ۶۸ و ۶۷) مادرخدای مردمان آسانتی در غنا است که او را بالای در خانه قرار می‌دهند. دادن تندیس‌های چوبی یا گلی او از سوی بزرگسالان قبیله به یک دوشیزه نشانه به جای آوردن آیین بلوغ وی و آمادگی برای اجرای نقش مادر است [۲۹]. زنان باردار قبیله آسانتی عروسک‌های چوبی دخترانه‌ای را از پس پاچین خود می‌آویزند

تکه‌های اندام اوست، که به رستاخیز اوزیریس ختم می‌گردد. ایزیس اغلب در حال شیر دادن به هوروس کودک تصویر شده است (تصویر ۷۳). بر پایروسی از ۱۲۰۰ ق.م. که در موزه تورین نگهداری می‌شود آمده: «ایزیس زنی هوشمند بود... باهوش‌تر از خدایان بی‌شمار... او بر هر چیزی در زمین و آسمان آگاه بود» [۳۱، ص ۵۳]. این هوشمندی او در داستان رویارویی با رع برای دریافتن اسم اعظم آشکار می‌گردد. داستانهای ایزیس عنصری از قبیل وردهای شفابخش رایج در حیات روزمره مصریان معمولی، بیماری‌های متداول و ترس‌ها و تهدیدهای حاکم بر زندگی آنها را شامل می‌شود مانند مسایل مربوط به زایمان، تبها، سردردها و... بعضی از این افسون‌ها جزء لاینفکی از کتاب‌های راهنمای طبییان بود و بالای سر بیمار خوانده می‌شد [۳۱، ص ۵۰]. ایزیس کشاورزی، آرد کردن غله، کتان‌ریسی و بافندگی را به زنان یاد داد [۳۲، ص ۸۲]. ایزیس با نقش هلال ماه بر تارک یا با تاجی از نیلوفر آبی و خوشه‌هایی از غله یا در حال حمل توده‌ای از میوه و غله نشان داده شده. او حامی کودکان در برابر بیماری‌هاست. حمایل یا کمربند ایزیس برای زنان مصر نماد زایایی و برخوردار شدن از قدرت مادی بود [۳۲، ص ۹۲].

نوت (تصویر ۷۴) خدایانوی آسمان به هیأت ماده‌گاو

ترسیم می‌شد که بر زمین کمان زده است [۳۲، ص ۳۳]. **تغفوت** (تصویر ۷۵) پدیدآورنده شبنم و رطوبت است و از اشک چشمان وی که به زمین می‌ریزد گیاهان پدیدار می‌شوند [۳۲، ص ۶۷]. دیگر ایزدبانوی حاصلخیزی، خدای نیل **تاورت** (تصویر ۷۶) است که غالباً به صورت یک اسب آبی آبستن تصویر می‌شود [۳۱، ص ۲۷۴].

هاتور (تصویر ۷۷) الهه‌ای است که مصریان اسطوره‌ای

مشابه با داستان اوگاریتی آنات در مورد وی داشته‌اند. هنگامیکه مردمان برعلیه رع توطئه می‌کنند ایزدبانو هاتور دست به قتل عام آنان می‌زند تا جایی که در خون غوطه‌ور می‌گردد. رع که مایل به نابودی کامل بشر نیست کشتزارها را با سیل آبجوی آکنده از گل اخرا به رنگ خون می‌سازد. هاتور از این شراب نوشیده و مست می‌شود و خشم خود از بشر را فراموش می‌کند [۱۱، ص ۹۸]. او در هیأت گاو ماده ستایش می‌شد و خدایانوی شادمانی و نماد مادری زنان بود، نیز خدایانوی رقص و موسیقی و نماد وی یک عود مصری بود. او بر وسایل آرایش زنان ترسیم می‌گردید (تصویر ۷۸) و به هیأت ماما و حامی زنان باردار شناخته می‌شد [۳۲، ص ۱۲۱].

(تصویر ۶۹) [۲۸، ص ۱۱۶]. زنان اورس در الجزیره در دوران بارداری گوشواره‌هایی به نام بوالارواح به گوش می‌بندند [۸، ص ۲۲۰]. این رسوم نشان‌دهنده اعتقاد زنان این مناطق به ایزدبانو یا روح بزرگیست که در هنگام بارداری حمایتشان می‌کند.

به‌ست (تصویر ۷۰) ایزدبانویست که مردمان سودان می‌پرستیده‌اند. **ناسی‌له‌له** خدایانوی مردمان مالوزی است که وقتی ماه در هلال است او را ستایش می‌کنند. **آتائی** ایزدبانوی مردمان ئەفیک است. **سانسوست** طبق اسطوره مردم ئیس، خدایانوی ماه و همسر خورشید است [۳۰، صص ۲۶۱ - ۲۶۰]. در اساطیر فون‌های داهومی مادر آغازین **نانابولوکو** جهان را می‌آفریند و نخستین زوج ماوو (ماه) و لیسا (خورشید) از او زاده می‌شوند [۲۸، ص ۲۶]. در اساطیر مردمان دوگون در سودان غربی مادرزمین است که تمامی موجودات نخستین را به دنیا می‌آورد [۲۸، ص ۳۱]. آنها تندیس‌هایی برای تمنای باران دارند که در انبارهای غله نگهداری می‌کنند و بدان فدیة می‌دهند (تصویر ۷۱) [۲۸، ص ۱۲۹]. در اسطوره پیدایی آتش پیگمه‌های جنگل کنگو نیز سخن از یک مادر خدا به میان می‌آید [۲۸، ص ۳۹]. شیلوک‌های نیل علیا در سودان خالق همه موجودات رودزی را یک تمساح - زن می‌دانند و به او فدیة و قربانی می‌دهند. آنها او را پاسدار تولد و حامی نوزادان می‌دانند [۲۸، صص ۶۳ - ۶۲]. نزد قوم ئیجاو زن باردار از احترامی ویژه برخوردار است. آنان دیدگان زن باردار را جایگاه امن و احترام می‌دانند [۳۰، ص ۳۰۲]. بغبانوی زمین نزد مردمان ایبو در نیجریه شرقی **آلا** نام دارد. او خاستگاه درستی و راستی و حامی کشاورزی و خرمن است. او مادر عنایت‌کننده پرباری و حاصلخیزی خاک و مردمان است و تندیس‌های سفالی او را در معابد ویژه اش قرار می‌دهند [۲۸، ص ۱۲۷]. **موجاجی** ملکه باران‌بخشی قبیله بانتو است. او آورنده باران به هنگام خشکسالی و ناظر چرخه مساعد فصول در طی سال است [۲۸، ص ۱۹۵].

۱۱ - مصر

نامورترین ایزدبانوی مصری را باید **ایزیس** - به معنای آنکه می‌گرید - دانست (تصویر ۷۲) [۸، ص ۱۵۵]. او فرزند نوت (آسمان) و جب (زمین)، همسر اوزیریس (خدای خورشید غارب) و مادر هوروس (خدای خورشید طالع) است. مشهورترین داستان مرتبط با ایزیس که از مهمترین بخشهای دین مصریست؛ اسطوره کشته شدن اوزیریس و سفر طولانی ایزیس در امتداد نیل به دنبال



ناشی از خدای مادر است، بحث می‌کند. شعرا و دانشمندی چون تاگور و راماکریشنا شکتی را همان مایا می‌دانند که در اوپانیشادها به معنای حقیقت نهایی است [۳، ص ۸۰]. پیروان این آیین نیروی مادینه را که مبدأ رویش و زایش است نیایش می‌کنند [۳۳، ص ۲۱۰].

در ریگ ودا، خدایانوی بزرگ زمین **پرتیوی ماتار** ستایش می‌شود [۳۳، ص ۱۳۵]. **اوشیس** دختر سپیده دم و ایزدبانوی اثیر، [۸، ص ۱۳۵]. دوشیزه‌ای جوان است که با جامه سپید بر فراز ارابه نشسته و اسبان خالدار او را حمل می‌کنند [۳، ص ۱۳۷]. **آدیتی** خدایانوی ودایی فضا، (به معنی نامحدود یا بی‌نهایت) گاه با پدیده‌های دیگر از جمله خاک و طبیعت هم‌ذات می‌شود. نام او مترادف آزادیست و طبیعت او در هر پدیده‌ای از زندگی گسترده است؛ از این رو خدایانوی حاصلخیزی و گاه گاو کیهانی نیز خوانده شده است [۳، ص ۳۶]. **اوما** ایزدبانوی غیر ودایی هندوست. او با گیاهانی که هنگام باران از بدنش می‌رویند به موجودات غذا می‌رساند [۸، ص ۱۴۰]. برخی او را برگرفته از **آما** الهه مادر دراویدی دانسته‌اند [۳۳، ص ۲۱۳].

مقدس‌ترین رودها نزد هندوان گنگ است که آن را مادر خطاب می‌کنند، [۳، ص ۲۷۸]. و در قالب ایزدبانو **گنگا** خواهر پارواتی پرستش می‌کنند [۳۳، ص ۱۹۸]. **سرسوتی** نام دیگر رودخانه مهم هند و الهه منسوب بدان است. او ایزدبانوی هنرها نیز هست، در بسیاری از تندیس‌ها او را در حال نواختن سیتار می‌بینیم [۳۳، ص ۲۱۰]. **یمنا (جمنا)** نیز رودی مقدس است. الهه یمنا دختر خدای خورشید و خواهر ایزد مرگ (یاما) است [۳۳، ص ۲۱۶]. **یاکشی**ها (تصویر ۹۴) ایزدبانوان جنگل و ارواح مؤنث خاک هستند که پیکره‌های تراشیده از چوب یا سنگ آنها بر ستون معابد یا در دوسوی دروازه‌های ورودی نصب می‌شود (تصویر ۹۵) [۳۳، ص ۲۱۶].

لکشمی الهه زیبایی و نیک‌بختی و همسر ویشنو است [۴، ص ۶۴۷]. که در اسطوره کریشنا ابتدا در قالب **رادا** و سپس در قالب **روکمینی** آشکار می‌شود و در حماسه بزرگ هندوان رامایانا به صورت **سیتا**، همسر راما تجلی می‌یابد [۳۳، ص ۲۰۲].

۱۳- چین

در اساطیر چینی بغانو **نوگوا** پس از هرج و مرج نخستین، آسمان را مرمت می‌کند و نظم را به جهان باز می‌گرداند. او در برابر طغیان

نام دیگر ایزدبانوان مصری چنین است: **سِخِمِت** (تصویر ۷۹) شیرسر خدایانوی ویرانگر خورشید [۳۲، ص ۱۲۲]. **سشات** کتابدار آسمانی [۳۲، ص ۱۳۵]. **نخبت** (تصویر ۸۰) کرکس - خدایانوی مصر علیا، [۱۰]. **نیت** (تصویر ۸۱) خدایانوی جنگ و شکار و پاسدار تابوت مردگان [۳۲، ص ۱۱۸]. **نفتیس** خدایانوی خانه [۳۲، ص ۱۰۵]. **بوتو** مار - خدایانوی مصر سفلی [۳۲، ص ۱۳۸]. **حکت** خدایانوی آب‌ها به شکل وزغ [۳۲، ص ۱۶۶]. **ساتیس** خدایانوی یاوری و عشق جزیره اسوان [۳۲، ص ۱۶۸]. **بست** (تصویر ۸۲) که از سودان به مصر آمد، با سر گربه که از زنان باردار در برابر ارواح خبیث حمایت می‌کرد [۳۲، ص ۲۰۶]. **سلکت** (تصویر ۸۳) عقرب - خدایانوی باروری و از پاسداران دروازه‌های جهان زیرین [۳۲، ص ۱۸۸]. **مسخنت** (تصویر ۸۴) خدایانوی زایش کودکان که به هر کودک، کا (روح) اعطا می‌کند [۱۰]. **رننت** خدایانوی پرستاری که بر شیر خوردن کودکان نظارت داشت [۳۲، ص ۱۷۶]. و **ماعت** (تصویر ۸۵) خدایانوی حقیقت، دادگری و نماد نظم خدایی [۳۲، ص ۱۷۷].

۱۲- هند

در کاوش‌های موهنجودارو تعدادی پیکره سفالین الهه مادر (تصویر ۸۶) و یک تندیس مسی از دختر برهنه‌ای در حال رقص (تصویر ۸۷) به دست آمده است [۳۳، صص ۷-۱۶]. دراویدین‌های ساکن هند پیکره‌هایی برای الهه مادر می‌ساختند که بعدها توسط آریاییان فاتح نیز مورد پرستش قرار گرفت [۳۳، ص ۲۴]. بر روی یک تندیس زرین از سده ۷ ق.م. که در ناحیه لوریا یافت شده، نقش الهه زمین دیده می‌شود (تصویر ۸۸) [۳۳، ص ۳۵]. و از بساره سفالینه‌ای با نقش یک ایزدبانوی بالدار به دست آمده است (تصویر ۸۹) [۳۳، ص ۴۰].

در نواحی مختلف هند همسران شیوا نام‌های گوناگونی دارند: **پارواتی** (کوهنورد) (تصویر ۹۰)، **کالی** (سیاه) (تصویر ۹۱)، **دورگا** (تصرف ناشدنی) (تصویر ۹۲)، **چاندی** (وحشی) و... [۳، ص ۲۷۹]. این ایزدبانوان در سرزمینهای مجاور هند چون نیپال نیز پرستش می‌شوند (تصویر ۹۳). سویه مادینه شیوا، هم مادر است و هم عروس ویرانی و مرگ؛ هم مهربان و هم ستم‌پیشه؛ هم تبسم می‌کند و هم می‌کشد [۳۴، ص ۷۲۷]. پرستش شکتی (نیروی زنانه) در شمال شرقی هند به صورت مذهب مستقل شاکتیسم درآمد. نوع دست راست این مذهب، از قوای مفید و سودبخش طبیعت که

۱۵ - قاره‌ی آمریکا

در قاره آمریکا آثار دینی - آیینی با پیکره‌های زنانه سفالین شروع شده است که شاید نماد حاصلخیزی و باروری بوده‌اند و آنها را قربانی خدایان کرده‌اند تا نظر لطف و مرحمت آنان را جلب کنند. زیرا پیکره‌ها را شکسته یا دور انداخته‌اند [۳۷، ص ۱۲]. از ویژگی‌های فرهنگ‌های باستانی واقع در ایالت مکزیکو (ساکاتکو و تیکومان) پیکره‌هایی است که زنان برهنه را می‌نمایند که بعضی از آنها کودکانی در آغوش دارند. این پیکره‌ها را هنگام زراعت در مزارع خاک می‌کردند [۳۷، ص ۲۳]. احتمالاً این تندیس‌ها با طلسم‌هایی که به هنگام آیین‌های باروری استفاده می‌شده مرتبط بوده‌اند [۳۸، ص ۱۹]. مجسمه‌های بسیاری در تلاتیلکو از زنان برهنه یافت شده است. گویا دسته‌ای از آنها در حال رقصند و در بغل دیگران کودکی دیده می‌شود. بعضی نیز دو سر دارند (تصویر ۱۰۳) [۳۷، ص ۲۸]. تندیس عظیمی از ایزدبانوی آب تولتکها در دره توتی اوآکان یافته شده است (تصویر ۱۰۴) [۳۷، ص ۶۲]. از قوم توتوناک تعدادی پیکره‌های سفالین و میان تهی یافت شده که زنان را بیشتر به صورت ایستاده و با دامن نمایش داده‌اند [۳۷، ص ۷۵].

شکل کهن و بومی ایزدبانو در دره مکزیک و به‌ویژه برای تولتکها، **سیواکواتل** (مار مؤنث) (تصویر ۱۰۵) بود. وی همتای مؤنث ایزد آتش بود و در مقام ایزد مادر به صورت بت‌های کوچک سفالین با کودکی در آغوش نمایانده شده است [۳۷، ص ۱۶۸]. او حامی روح زنانی است که به هنگام زایمان مرده‌اند [۳۷، ص ۱۸۸]. **تلاسلتوتل** (تصویر ۱۰۶) برای قوم اوآستک ایزدبانوی زندگی‌بخش زمین، باروری، حاصلخیزی و لذت جسمانی بوده است که تندیس‌های بزرگی از او می‌ساختند (تصویر ۱۰۷). وی در ارتباط با زمین و ماه است، که مانند ماه از تمام مراحل زندگی یک زن می‌گذرد و به همین دلیل تجسم جوانی، باروری، پیری و مرگ است [۳۷، ص ۸۲]. ساحل خلیج را موطن وی می‌دانند. او برای آرتک‌ها به ایزدبانوی زایش و حافظ زنان بدل شد [۳۷، ص ۱۷۵]. دیگر ایزدبانوی این قوم **شاراتانگا** است که بسان ایزدبانوی زمین بارداری، زایش و فراوانی محصولات را تجسم می‌بخشد. وی دارای حمام‌های بخار بود که زنان باردار برای راحت‌تر زادن از آنها استفاده می‌کردند [۳۷، ص ۹۰].

برای آرتک‌ها **کواتلیکوئه** ایزدبانویی با پنج مظهر مختلف است که به چهار جهت اصلی زمین و مرکز آن اشاره دارد. او مادرِ خدای بزرگ کتسالکواتل دانسته شده است [۳۷، ص ۱۵۶]. او در

رودها و دریاها سد می‌زند. نخستین انسان را نوگوا از گل زرد می‌آفریند. سپس طنابی در گل فرو می‌برد و با قطراتی که از آن فرو می‌چکند انسانهای بعدی آفریده می‌شوند [۳۵، ص ۸۲]. **کوان‌بین** (تصویر ۹۶) ایزدبانویی است که از قحطی میان انسان‌ها غمگین می‌شود. او دانه برنج را به زمین آورد و گاو شخم زنی را نیز برای یاری انسانها از آسمان به زمین فرستاد [۳۵، ص ۱۱۸]. او از درون نیلوفر آبی (تصویر ۹۷) هستی می‌یابد [۳۵، ص ۱۷۷]. و از شیر اوست که خوشه‌های برنج بارور می‌شوند [۳۵، ص ۱۵۳]. **فنگ‌هوانگ** (ققنوس) (تصویر ۹۸) که از آتش است، به باور چینیان دربردارنده عنصر مادینه جهان (**یین**) و نماد ملکه است [۳۵، ص ۶۸]. **هنگ‌نو** (تصویر ۹۹) بغانوی ماه است [۳۵، ص ۱۹۳].

۱۴ - ژاپن

آماتراسو خدایانوی خورشید در اساطیر ژاپنی است. لقب او **اومی‌کامی** است و معبد بزرگ او در ایسه واقع شده است. او حامی آدمیان است، خدایانویی نیک‌خواه که قرص خورشید را به صورت آینه‌ای در دست دارد [۸، ص ۸۹]. او مسئول باروری و فرمانروای خدایان و جهان هستی است [۴، ص ۷۱۹]. **ایزانامی** ایزدبانوی ژاپنیست که با ایزانگی زوج خالق را تشکیل می‌دهند. او مادر زمین است. ایزانگی نیز برای بازگرداندن ایزانامی به برزخ می‌رود اما موفق نمی‌شود [۴، ص ۱۵۴]. این داستان، پیوندی آشکار با اساطیر چرخش فصول شرق میانه دارد. **تسوکوی‌یومی** الهه ماه، دختر ایزانگی و خواهر آماتراسو است [۳، ص ۴۲۴].

بتنن (تصویر ۱۰۰) حامی ادبیات و موسیقی و پدیدآورنده ثروت و شادیست. او شیفته نواختن ساز بیوا است [۳۶، ص ۲۱۵]. او خدایانوی دریا و یکی از هفت خدای خوشبختی است [۸، ص ۲۱۸]. **کیشی‌جوتن** (تصویر ۱۰۱) یکی دیگر از خدایانوان خوشبختی است [۳۶، ص ۳۱]. او **که‌موچی** خدایانوی تغذیه است که از سر او اسبان و گاو، از بازوانش کرم ابریشم، از پیشانی‌اش ارزن و از معده او برنج پدید آمده است [۳۶، ص ۲۳]. دیگر ایزدبانوی محبوب ژاپنی‌ها **کوان‌نون** (تصویر ۱۰۲)، خدایانوی رحمت و حامی کودکان و زنان باردار است. او را به هیاتهای گوناگون؛ از جمله با هفده چهره و تعداد زیادی دست، نشان می‌دهند [۳۶، ص ۹۱].



لنای سیبری **آجیسیت** را مادر خدایان می‌دانند. معنای نام او زاینده و حیات‌بخش است. آجیسیت هنگام تولد هر کودک روح را در بدن وی جاری می‌سازد [۱۰]. در اساطیر گرینلند **مالینا** خدایانوی خورشید است [۱۰]. در اساطیر مردمان اسکیموی اینویت که در آلاسکا و سیبری ساکنند نیز خدایانوان بسیاری به چشم می‌خورند. **آکولو جوسی** مادرخدای آفریننده است. **پوکینگاک** ایزدبانوی کودکان، باروری و تولد است. **آکنا** نیز با باروری ارتباط دارد. **آسیاک** خدایانوی هوا و **پینگا** الهه پزشکیست. **توتگا** ایزدبانویست که در کلبه‌ای سنگی زندگی می‌کند و قدرت راه رفتن بر روی آب را دارد. **آلانرک** الهه‌ایست که بر جزر و مد و امواج نظارت دارد و **کادلو** خدایانوی تندر است. برخی از این ایزدبانوان بر شکار نظارت دارند. **آرناکواگاساک** (بانوی پیر دریا) (تصویر ۱۱۶) در گرینلند به صیادان کمک می‌کند تا صید زیادتری بگیرند و مردم را سلامت نگه می‌دارد. او در کانادا **سدنا** (تصویر ۱۱۷) و در آلاسکا **نریویک** (تصویر ۱۱۸) نامیده می‌شود. **نوجالیک** ایزدبانویست که بر شکار حیوانات زمینی نظارت دارد. گوزن شمالی (کاریبو) غذایی بسیار مهم برای اینویت‌ها است که الهه محافظ او را **مادر کاریبو** می‌نامند [۳۹، صص ۱۱-۱۶].

۱۷ - نتیجه گیری

برای جوامع شکارورز، دام‌پرور و برزگر پیش از تاریخ، گرسنه ماندن بر اثر خشکسالی و قحطی و نابودی کشت و رمه، هراسی بزرگ به حساب می‌آمده است. نازایی و داشتن فرزندان کم‌شمار نیز به سبب نیاز خانواده به زور بازوی اعضایش، کاستی بزرگی بود که می‌توانست به تولید محصولی اندک، یا شکست از دشمنان منجر گردد. از این‌رو نیروهایی که باروری و حاصلخیزی را تضمین می‌کردند؛ در قالب خدایانوان مادر، بیشترین ارج و احترام را نزد این مردمان داشته‌اند، به گونه‌ای که پرستش مادرخدایان در اغلب نواحی زمین و برای دورانی طولانی رواج داشته است. این ساختار مادرمرکز می‌توانسته است به سبب مادرشاهی در جوامع پیش از تاریخ باشد که برای اثبات آن نیاز به دانسته‌های بیشتر است.

تندیسی با دامنی از مارها و پنجه‌های حیوانات شکاری نشان داده شده و از گردن او دو جوی خون بیرون زده که به مار بدل شده‌اند (تصویر ۱۰۸) [۳۷، ص ۱۷۱]. **چالچیوتلیکوئه** (دامن یشم) (تصویر ۱۰۹) ایزدبانوی آب و دریاست [۳۷، ص ۱۶۹]. قبایل کهن‌تر ناوا او را با **شوچیکنسال** (گل گرانبها) ایزدبانوی عشق و گلها یکی می‌دانند [۳۷، ص ۱۷۰]. او مظهر زیبایی، حامی کارهای خانه و حافظ زنانی بود که با جنگ‌جویان می‌زیستند [۳۷، ص ۱۷۹].

سنته توتل (تصویر ۱۱۰) ایزد ذرت بود. او به شکل زنی در دوران‌های مختلف زندگی تصور می‌شد که مراحل رشد ذرت را نشان می‌داد [۳۷، ص ۱۷۷]. **مایاول** (تصویر ۱۱۱) ایزدبانوی است که با چهارصد پستان، چهارصد فرزندش را که اقوام مختلف بودند شیر می‌داد [۳۷، ص ۱۸۰]. **کویلشواکی** (تصویر ۱۱۲) ایزدبانوی ماه، تاریکی و شب بوده است [۳۷، ص ۱۸۵]. در یوکاتان ایزدبانوی ماه را **ایشچل** (تصویر ۱۱۳) می‌نامیدند که ایزد زایش و درمان‌گری نیز به شمار می‌رفت. برای او جشنی در مقام ایزدبانوی درمان‌گری برپا می‌کردند و روز قبل از جشن، رقصی به نام «رقص ماه» انجام می‌شد. او حامی زنان بود، با دریاچه‌ها، چشمه‌ها و مخازن آب زیرزمینی قرابت داشت و مادر ما، مادر مقدس، مادر بزرگ و معشوقه نامیده می‌شد. او همچنین سرور تولد و صنایع دستی زنانه (مثل بافندگی) بود [۳۷، ص ۲۵۶].

ایشچل در اساطیر مایا، خدایانوی آبها، زایمان، پزشکی، بافندگی و مظهر ماه است که به شکل پیرزنی با چنبره ماری بر سر تصویر می‌شد. **ایستاب** خدایانوی مایایی به‌دارآویختگان، [۸، ص ۱۵۶]. **ایسکاکائو** خدایانوی کاکائو، **ایسکانیل** مسئول خرمن‌ها [۸، ص ۱۵۷]. و **ایسکوئیک** ایزدبانوی استغفار و باکره عالم زیر زمین بود [۸، ص ۱۵۸]. **هالومه‌آ** در اساطیر هاوایی خدایانوی باروری و تولد است. او ساحره‌ای نیرومند است که به تمامی موجودات حیات می‌بخشد [۱۰]. **هینای آتشین**، در هاوایی الهه بافنده الیاف گیاهی و حامی کارهای زنانه است [۴، ص ۷۶۳]. در پورتوریکو نیز نقش خدایانو **آتاپیرا** (تصویر ۱۱۴) بر روی سنگ‌های بزرگ تصویر می‌شده است [۱۰].

۱۶ - سرزمین‌های شمالی

تندیسی خدایانویی از دوره پالئولیتیک در غاری در مالاتا نزدیک دریاچه بایکال سیبری به دست آمده که به نام ونوس مالاتا (تصویر ۱۱۵) مشهور است [۱۰]. مردمان یاکوت در کنار رودخانه



۵. ایشتر - ماری -
۲۵۰۰ تا ۲۴۰۰ ق.م. -
[۹]



۳. ایشتر -
کلکسیون نرمان کولویل - [۴۱]



۳. اینانا -
[۴۰]



۲. انوبانی نی در برابر اینانا -
سر پل ذهاب - [۶ ص ۵]



۱. کشته شدن تیامت
به دست مردوخ -
[۹ ص ۲۸۳]



۱۰
۱۱ و ۱۰. آشه راه -
فلسطین -
سده های ۱۰ تا ۷ ق.م. - [۴۲]



۹. الهه باروری - حلف -
حدود ۵۱۰۰ تا ۶۰۰ ق.م. - [۹]



۸. الهه باروری - حسونا -
حدود ۶۰۰۰ ق.م. - [۱۳]



۷. تین لیل -
[۱۰]



۶. ایشتر - تل برسپ -
سده ۸ ق.م. - [۹]



۱۶. سیدوری -
سده ۸ ق.م. - [۴۰]



۱۵. هاسی - بابل -
[۱۰]



۱۴. الهه باروری -
ماری - [۱۱ ص ۴۱]



۱۳. نیک کال - اوگاریت -
سده های ۱۴ تا ۱۳ ق.م. - [۹]



۱۲. جام - اوگاریت - سده
های ۱۴ تا ۱۳ ق.م. - [۹]



۱۱



۲۲. بانوی تریکومو -
قبرس - سده ۶ ق.م. -
[۱۹ ص ۱۶۵]



۲۱. الهه باروری -
قبرس -
هزاره ۴ تا ۳ ق.م. -
[۱۸]



۲۰. الهه باروری -
چتل هویوک -
[۴۰]



۱۹. الهه باروری -
چتل هویوک -
[۱۲ ص ۵۲]



۱۸. الهه باروری - اناتولی -
۶۰۰ تا ۵۵۰ ق.م. -
[۱۵ ص ۱۱۳۶]



۱۷. اللات -
خناسر، سوریه -
سده ۱ ق.م. - [۴۰]



۲۷. ونوس ویلندورف -
[۱۴، ص ۳۸]



۲۶. الهه باروری - لاسال،
دردنی - [۴۳]



۲۵. سکه با نقش الهه باروری -
کارتاژ - [۳۱]



۲۴



۲۳ و ۲۴. ونوس مالتا -
موزه ملی مالت - [۱۲]



۳۳



۳۲ تا ۳۳. الاهگان
ماری - کرت - [۱۰]



۳۱



۳۰ و ۳۱. بتهای سیکلادیک -
[۲۴] تا ۲۵۰۰ ق.م.



۲۹. ونوس بارسمیوی -
[۱۰]



۲۸. ونوس لیوز -
[۱۰]



۳۹. نقاشی دیواری هرا -
[۴۵]



۳۸. سکه با نقش هرا -
[۴۵]



۳۷. گایا -
سده ۷ ق.م. - [۱۲]



۳۶. مادر و کودک -
تاناگرا، یونان - [۹] ۵۵۰ ق.م.



۳۵. الهه ماری -
مینوس - سده های
۱۵ تا ۱۶ ق.م. - [۱۰]



۳۴



۴۴. آرتیس -
[۴۱]



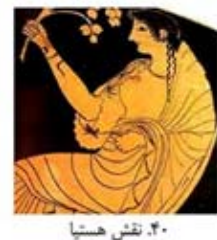
۴۳. حمام افرودیت -
[۴۳]



۴۲. افرودیت
میلو - [۴۵]



۴۱. دیومتر و پرسیفون - سیرنه -
[۴۳]



۴۰. نقش هستیا
بر روی سفال - [۴۵]



۵۰. دیانا -
[۴۵]



۴۹. سرس -
[۲۳]



۲۸. وستا -
[۲۳]



۴۷. جونو -
[۴۱]



۴۶. آتنا -
[۴۱]



۴۵. بندیس -
[۱۰]



۵۵. اپونا - راین -
[۲۳، ص ۲۵]



۵۴. الهه باروری - کارونت،
ولز جنوبی - [۲۳، ص ۶۳]



۵۳. دیانا - دورا اوربوس -
سده ۲ م - [۹]



۵۲. تولد ونوس - بوتیچلی -
سده ۱۵ م - [۴۶]



۵۱. مینروا -
[۴۱]



۶۰. پیکره جده -
مالی -
[۲۴، ص ۳۱]



۵۹. تندیس عاج الهه
باروری - بنین -
[۲۳، ص ۲۵]



۵۸. ونوس تان تان -
مراکش -
[۱۰]



۵۷. الاحگان دنامترس -
راین -
[۲۳، ص ۶۹]



۵۶. اپونا
[۴۵]



۶۷ و ۶۸ اکولیا - غنا -
[۲۹]



۶۶. پاسدار روح
زن - سیرالئون -
[۲۴، ص ۱۱]



۶۵. خدایانوی زمین -
موسی -
[۲۴، ص ۱۳۰]



۶۴. تندیس سفالین
مادر یا کودک -
[۲۴، ص ۱۲۸]



۶۳. خدای طوفان
یورویاها -
[۲۴، ص ۵۲]



۶۲. مادر
زمین - ایبو -
[۲۴، ص ۵۱]



۶۱. خدای برنج -
سیرالئون -
[۲۴، ص ۳۲]



۷۳. ایزیس در حال شیر دادن به هوروس - [۹]



۷۲. ایزیس - [۴۷]



۷۱. تندیس تمای باران سودان - [۲۴، ص ۱۲۹]



۷۰. به ست - سودان [۴۷]



۶۹. عروسک - غنا - [۲۴، ص ۱۱۶]



۶۸



۷۸. هاتور بر آینه - [۲۷، ص ۱۲۶]



۷۷. هاتور - [۴۸]



۷۶. الهه نیل تا ورت - [۲۷، ص ۱۷۵]



۷۵. تفنوت - [۲۷، ص ۶۷]



۷۴. نوت (آسمان) بر بالای جب (زمین) خیمه زده است - [۹، ص ۲۲۸]



۸۴. مسخت - [۱۰]



۸۳. سلکت - [۲۷، ص ۱۸۸]



۸۲. بست - [۲۷، ص ۲۰۶]



۸۱. نیت - [۲۷، ص ۱۱۸]



۸۰. نکیت - [۱۰]



۷۹. مسخت - [۲۷، ص ۱۲۲]



۹۱. کالی - [۱۰]



۹۰. پارواتی در حال شیر دادن به گانشا - [۱۰]



۸۹. ایزدبانوی بالدار - بساره - [۲۸، ص ۴۰]



۸۸. الهه زمین - لوریا - [۲۸، ص ۳۵]



۸۷. دختر رقصان - موهنجودارو - [۲۸، ص ۱۷]



۸۶. الهه مادر - موهنجودارو - [۲۸، ص ۱۶]



۸۵. ماعت - [۲۷، ص ۱۷۷]



۹۸. فنگ هوآنگ -
[۳۰، ص ۶۸]



۹۷. تولد کوان بین -
[۳۰، ص ۱۵۳]



۹۶. کوان بین -
[۴۵]



۹۵



۹۴ و ۹۵. پاکسی
[۴۱]



۹۳. کالی نیال -
[۱۰]



۹۲. دورگا -
[۱۰]



۱۰۵. سیواکواتل -
[۳۲، ص ۱۸۹]



۱۰۴. ایزدبانوی آب -
[۳۲، ص ۶۲]



۱۰۳. الهه دو سر -
[۳۲، ص ۲۴]



۱۰۲. کوان نون -
[۳۱، ص ۹۱]



۱۰۱. کیشی جوتن -
[۳۱، ص ۳۱]



۱۰۰. بنتن -
[۳۱، ص ۲۱۸]



۹۹. هنگ نو -
[۳۰، ص ۹۳]



۱۱۱. مایاول -
[۳۲، ص ۱۸۱]



۱۱۰. سنه توتل -
[۳۲، ص ۱۷۸]



۱۰۹. چالچوتلیکونه -
[۳۲، ص ۱۷۰]



۱۰۸. کواتلیکونه -
[۳۲، ص ۱۷۳]



۱۰۷. تلاسوتوتل -
[۱۰]



۱۰۶. تلاسوتوتل -
[۳۲، ص ۱۷۷]



۱۱۸. نریوبک -
[۱۰]



۱۱۷. سذنا -
[۱۰]



۱۱۶. ارناکوآگساک -
[۱۰]



۱۱۵. ونوس
مالاتا - [۱۰]



۱۱۴. اناپیرا -
پورتوریکو - [۱۰]



۱۱۳. ایشجل -
[۳۲، ص ۲۵۷]



۱۱۲. کویلشاوکی -
[۳۲، ص ۱۸۶]



۱۸ - منابع

- [۲۶] پیچ، ریموند بان؛ «اسطوره‌های اسکانندیناوی»؛ عباس مخبر؛ تهران: مرکز؛ ۱۳۷۷.
- [۲۷] گرین، میراندا جین؛ «اسطوره‌های سلتی»؛ عباس مخبر؛ تهران: مرکز؛ ۱۳۷۶.
- [۲۸] پاریندر، جئوفری؛ «اساطیر آفریقا»؛ باجلان فرخی؛ تهران: اساطیر؛ ۱۳۷۴.
- [۲۹] www.abaxion.com؛ تاریخ بازدید: ۱۳۸۶/۱۰/۱۵.
- [۳۰] بایر، پولی؛ افریقا؛ «اسطوره‌های آفرینش»؛ ژ. آ. صدیقی؛ تهران: عطایی؛ ۱۳۵۴.
- [۳۱] هارت، جرج؛ «اسطوره‌های مصری»؛ عباس مخبر؛ تهران: مرکز؛ ۱۳۷۴.
- [۳۲] ایونس، ورونیکا؛ «اساطیر مصر»؛ باجلان فرخی؛ تهران: اساطیر؛ ۱۳۷۵.
- [۳۳] کوماراسوامی، آناندا؛ «مقدمه‌ای بر هنر هند»؛ امیر حسین ذکرگو؛ تهران: روزنه؛ ۱۳۸۲.
- [۳۴] دورانت، ویل؛ «تاریخ تمدن»؛ کتاب اول (مشرق زمین گاهواره تمدن)؛ بخش دوم؛ مهرداد مهرین؛ تهران: اقبال؛ ۱۳۳۷.
- [۳۵] کریستی، آنتونی؛ «اساطیر چین»؛ باجلان فرخی؛ تهران: اساطیر؛ ۱۳۷۳.
- [۳۶] پیگوت، ژولیت؛ «اساطیر ژاپن»؛ باجلان فرخی؛ تهران: اساطیر؛ ۱۳۷۳.
- [۳۷] کندری، مهران؛ «دین و اسطوره در امریکای وسطا (پیش از کلمب)»؛ تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی؛ ۱۳۷۲.
- [38] Bernal, I.; "Mexico before Cortez: Art, History and Legend"; NY: Anchor Books: 1975.
- [39] Condon; Richard & Ogina; Julia; "The Northern cooper Inuit"; Toronto: University of Toronto press; 1996.
- [۴۰] www.ourworld.compuserve.com؛ بازدید: ۱۳۸۶/۹/۳.
- [۴۱] www.metahistory.org؛ تاریخ بازدید: ۱۳۸۶/۹/۱۱.
- [۴۲] www.biblelandpicture.com؛ تاریخ بازدید: ۱۳۸۶/۹/۱۸.
- [۴۳] www.womanwisdom.com؛ تاریخ بازدید: ۱۳۸۶/۹/۱۱.
- [۴۴] www.ramblingroses.net؛ تاریخ بازدید: ۱۳۸۶/۹/۱۸.
- [۴۵] www.flicker.com؛ تاریخ بازدید: ۱۳۸۶/۹/۳.
- [46] Capolavori d'arte nel mondo; Paris: "Edizioni Beatrice d'ests"; 1975.
- [۴۷] www.africantreasures.com؛ تاریخ بازدید: ۱۳۸۶/۹/۵.
- [۴۸] www.egyptian.museum.org؛ تاریخ بازدید: ۱۳۸۶/۹/۷.
- [۱] توین‌بی، آرنولد؛ «تاریخ تمدن»؛ یعقوب آژند؛ تهران: مولی؛ چاپ اول؛ ۱۳۶۲.
- [۲] آزادگان، جمشید؛ «ادیان ابتدایی»؛ تهران: میراث ملل؛ ۱۳۷۲.
- [۳] ناس، جان‌بایر؛ «تاریخ جامع ادیان»؛ علی اصغر حکمت؛ تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی؛ چاپ سیزدهم؛ ۱۳۸۲.
- [۴] روزنبرگ، دونا؛ «اساطیر جهان؛ داستانه‌ها و حماسه‌ها»؛ عبدالحسین شریفیان؛ تهران: اساطیر؛ ۱۳۷۸.
- [5] Bamberger; Joan; "The Myth of Matriarchy"; Stanford: Stanford University press; 1974.
- [۶] مک‌کال، هنریتا؛ «اسطوره‌های بین‌النهرینی»؛ عباس مخبر؛ تهران: مرکز؛ ۱۳۷۳.
- [۷] رحیمی، پریچهر؛ «تاریخ پوشاک ایرانیان»؛ تهران: دانشگاه هنر؛ ۱۳۸۵.
- [۸] فضائلی، سودابه، «فرهنگ غرائب»؛ تهران: سازمان میراث فرهنگی؛ ۱۳۸۳.
- [۹] www.louvre.fr؛ تاریخ بازدید: ۱۳۸۶/۹/۱۰.
- [۱۰] www.wikipedia.org؛ تاریخ بازدید: ۱۳۸۶/۱۰/۱۴.
- [۱۱] هوک؛ «ساموئل هنری»؛ اساطیر خاورمیانه؛ علی‌اصغر بهرامی و فرنگیس مزداپور؛ تهران: روشنگران؛ ۱۳۷۲.
- [۱۲] www.hocuspocus.co.uk؛ تاریخ بازدید: ۱۳۸۶/۱۰/۱۵.
- [۱۳] www.thebritishmuseum.ac.uk؛ تاریخ بازدید: ۱۳۸۶/۹/۸.
- [۱۴] ضیاءپور، جلیل؛ «پوشاک زنان ایران»؛ تهران: وزارت فرهنگ و هنر؛ ۱۳۴۷.
- [15] Demange; Françoise; in Déesses: Imatges femenines de la Mediterrània de l a Prehistòria al món romà; Ajuntament de Barcelona; 2000.
- [۱۶] فیروزمندی، بهمن؛ «باستان‌شناسی و هنر آسیای صغیر»؛ تهران: سمت؛ ۱۳۷۸.
- [۱۷] گاردنر، هلن؛ «هنر در گذر زمان»؛ محمد تقی فرامرزی؛ تهران: نگاه؛ چاپ دوم؛ ۱۳۷۰.
- [۱۸] www.metmuseum.org؛ تاریخ بازدید: ۱۳۸۶/۹/۶.
- [19] Hermary; Antoine; "Divinités chypriotes I"; in Report of the Department of Antiquities of Cyprus; Nicosia: Department of Antiquities; 1982.
- [۲۰] www.carnaval.com؛ تاریخ بازدید: ۱۳۸۶/۱۰/۱۵.
- [۲۱] www.hobbyblog.blogspot.com؛ تاریخ بازدید: ۱۳۸۶/۹/۶.
- [۲۲] دورانت، ویل؛ «تاریخ تمدن»؛ کتاب دوم (یونان باستان)؛ فتح الله مجتبابی؛ تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی؛ چاپ دوم؛ ۱۳۷۶.
- [23] Tanagra. "Mythe et Archéologie; catalogue d'exposition; Paris": Musée du Louvre; 2003.
- [۲۴] همیلتون، ادیت؛ «سیری در اساطیر یونان و رم»؛ عبدالحسین شریفیان؛ تهران: اساطیر؛ چاپ دوم؛ ۱۳۸۳.
- [25] Cornford; F. M.; "Greek Religious Thought from Homer to the Age of Alexander"; London: J. M. Dent & Sons; 1923.